

عوامل تضعیف دیوانسالاری آل‌بویه و نقش آن در انحطاط حکومت

ذکرالله محمدی¹ سمیه انصاری²

چکیده

حاکمان آل‌بویه پس از تسلط بر ایران مرکزی و بغداد، برای حفظ و استقرار حکومت، خود را مجبور به داشتن یک دستگاه دیوانسالاری گسترده و قدرتمند یافتند. از این رو، برای تحکیم ساختارهای حکومتی خویش به اقتباس تشکیلات دیوانسالاری از خلفای عباسی و برخی حکومت‌های ایرانی که متأثر از ایران پیش از اسلام بودند، روی آوردند ولی بر اساس نیازها و شرایط حاکم به تغییرات و ابداعاتی در فروع آن پرداختند که این تغییرات از سویی اقتدار و استمرار حکومت آنان را در پی داشت و از سوی دیگر باعث انحطاط و سقوط آن‌ها گردید. این پژوهش با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به تبیین عملکرد مهم‌ترین دیوان‌های آل‌بویه پرداخته تا با بررسی تغییرات و تحولات صورت گرفته در هر یک، نقش آنان در اقتدار و تضعیف حکومت آل‌بویه مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که انحطاط دیوانسالاری آل‌بویه بیشتر به تعارضات ساختاری دیوان‌ها باز می‌گردد تا عوامل بیرونی و صوری و تعارضات ساختاری بود که تشکیلات درونی آل‌بویه را متلاشی ساخت.

واژگان کلیدی: آل‌بویه، دیوانسالاری، وزارت، عوامل تضعیف دیوان.

The Causes of Weakening of Burocratc System of The Buids and Its Influence on Its Ultimate Collapsing

ZekrollahMohammadi³ Somayeh Ansari⁴

Abstract

After dominance over the central Iran and Baghdad, the Buids comprehended that, for preserving their own power and dominance, they should have a vast and powerful bureaucracy. So they adopted the bureaucracy model of the Abbasids and some Iranian local kingdoms what had a legacy from pre-Islamic periods. However the Buids made some nonessential reforms in the adopted systems. These reforms had some positive consequences and some negative ones too. By a descriptive-analytic method and by using the library sources, this paper aims to study the influence of the reforms and changes in the power of the Buids and their destiny. The founding will show that the collapsing of the Buids was a consequence of internal and structural problems not the external ones.

Keywords: the Buids, Bureaucratic system, ministry, the causes of weakening of Divan(bureaucracy).

1. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

2. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

3. Assistant Professor, Department of History, Imam Khomeini Int University, zkmohammadi@yahoo.com

4. MA Student of the History of Islamic Iran, Imam Khomeini Int University .
s.ansari73@ymail.com

مقدمه

هر حکومتی برای پیشبرد اهداف و آرمانهای خود در جوامع انسانی، نیازمند یک دستگاه اداری منظم و قدرتمندی است که بتواند در سایه‌ی آن به اهداف مورد نظرش دست یابد، حکومت آل بویه را نیز نباید از این قاعده مستثنی‌نمائیم. اگرچه حکومت آل بویه به سلطه مستقیم اعراب در قلمرو خویش پایان داد با این وجود، نیازمندتأیید مشروعیت خود از سوی خلیفه بغداد بود. ساختار حکومتی آنان حالتی ملوک الطوائفی داشت، یعنی اینکه به صورت مستقل به اداره قلمرو خویش می‌پرداختند. پایه و اساس تشکیلات آنان به تقلید از سامانیان بود که آنان نیز از بغداد وام گرفته بودند. کارکرد این ساختار و تشکیلات از یک سو باید در تعامل با ساختارهای دیگر اجتماع می‌باشد و از سوی دیگر باید با اجزاء و بخش‌های درونی خود هماهنگی لازم را داشته باشد. چرا که هرگاه در روابط تشکیلاتی یا ساختاری مشکل ادغام یا هماهنگی یا عدم انطباق پدید آید، احتمال موفقیت ساختار مزبور در تحقق کارکردهایش بسیار ضعیف خواهد شد.

حال با عنایت به رابطه‌ی ساختار و عملکرد، باید تأثیر ساختار دیوانسالاری آل بویه را در قدرت‌گیری یا انحطاط حکومت آنان تبیین نمود. زیرا حاکمان آل بویه با استیلا بر بغداد و خلفای عباسی با در پیش گرفتن سیاستی متفاوت از سایر قدرت‌های متقارن خویش نسبت به خلافت، برای تداوم و استمرار فرمانروایی خویش دیوانسالاری را بکار گرفتند. اگرچه سیستم آنان برگرفته از خلافت عباسی و حکومت‌های متقارن بود ولی به دلیل شرایط سیاسی و اقتصادی، بینش و مدیریت حاکمان، پیش‌بینی احتمالات آینده، تغییرات و تفاوت‌هایی قابل توجه در عملکرد برخی دیوان‌ها روی داد که از دید مورخانی هم چون مسکویه، ابن اثیر، ثعالبی و سایرین پنهان نمانده است. البته باید افزود در فرآیند تبدیل و تحول دیوان‌ها بررسی عوامل انسجام بخش و همچنین عملکرد دیوان‌ها با تکیه بر رویکرد حاکمان و محیط سیاسی، شرایط اقتصادی و نظامی آنان امر ضروری می‌باشد. زیرا همان عوامل انسجام بخش باعث تعارضات درون ساختاری شدند که پویایی آن را به اضمحلال و رکود مبدل ساخت.

سؤال اصلی مورد نظر در این مقاله این است که عوامل تضعیف دیوانسالاری آل بویه چه بوده است؟ و این عوامل چه نقشی در تضعیف سیستم حکومتی آل بویه ایفا نموده است؟ در همین زمینه به سؤالات فرعی دیگری نیز پرداخته شده است که عبارتند از: حاکمان آل بویه پس از اقتباس دیوانسالاری از اسلاف خویش، در شکل ساختاری و تعداد دیوان‌های پیشین چه تغییری ایجاد کردند؟ آیا عملکرد دیوان‌های نوین هماهنگ با ساختار حکومتی آل بویه بود؟ یا در تعارض با آن قرار گرفت؟ و سرانجام عملکرد دیوان‌ها چه تأثیری در روند اقتدار و تضعیف آل بویه داشت؟

براساس فرضیه محقق، تعارض‌های نهفته‌ی ساختاری دیوانسالاری آل‌بویه و عدم سازگاری عملکرد نظارتی برخی دیوان‌ها از عوامل انحطاط دیوانسالاری به شمار می‌رود. فرضیه دیگر این است که عدم نظارت دقیق حاکمان، و مسائلی از آن دست با تضعیف و اختلال ساختار درونی دیوان و و حذف یا انحلال برخی آن‌ها باعث انحطاط دیوانسالاری و به تبع آن حکومت آل‌بویه شد. در زمینه پژوهش تحقیق یا قلمرو موضوعی نزدیک به آن، باید یادآور شد که تاکنون کتابها و مقالات متعددی در مورد حکومت آل‌بویه نگاشته شده است اما پژوهشی منسجم و مستقل مبتنی بر بررسی و تحلیل عوامل تضعیف و آثار و پیامدهای این موضوع انجام نشده است. اگرچه مورخان و تحقیقات جدید به این امر توجه نموده‌اند ولی اطلاعات آنان پراکنده می‌باشد و اطلاعاتی مختصر پیرامون برخی دیوان‌ها توسط مفیزالله کبیر، علی اصغر فقیهی و پروین ترکمنی آذر ارائه شده است که آن هم بیشتر به معرفی دیوان‌ها پرداخته شده است.

دیوانسالاری آل‌بویه

همانطور که اشاره شد، امرای آل‌بویه پس از تثبیت بنیان‌های حکومتشان برای تسریع در ساماندهی ساختارهای حکومتی و حل پیچیدگی‌های اداره‌ی امور مناطق مفتوحه، با کمک «عمال پارس» سیستم دیوانسالاری را از سامانیان و خلفای عباسی اقتباس و اجرا نمودند.⁵ البته لازم به ذکر است با توجه به قدرت‌یابی سریع حکومت آل‌بویه و عدم داشتن تجربیات کافی و تلاش برای ایجاد ثبات و امنیت در قلمروی حکومتی، در ابتدا دیوان‌ها در شکل ساختمان، تنوع و تعداد چندان رسمی و پیشرفته نبودند و تنها خصیصه‌ی مشترک آن‌ها ماهیت و اصل دیوانی بود. این بدان معناست که آنان در ابتدا همان نظام و روش حکام پیشین را در پیش گرفتند.⁶ ولی به مرور زمان عواملی نظیر تزايد فتوحات و گسترش قلمرو، مسائل اقتصادی و نظامی، توجه به ایجاد نظم نوین در حکومت و نظام حاکم زمین‌داری باعث تنوع و گسترده شدن دامنه فعالیت دیوان‌ها و تغییرات اساسی در ساختار و تشکیلات دیوان‌ها و تزايد ساخت‌های دیوانی - چه اصل و چه فرع - شد.

در همین راستا از نخستین تغییرات آل‌بویه در زمینه‌ی دیوانسالاری، اعتلای مقام «صاحب دیوان» در رأس دیوان‌ها به عنوان ناظر بر عملکرد سایر دیوانیان بود و انتخاب این شخص از جمله اختیارات حاکم بود. اگرچه حاکم اعمال وی را تحت نظارت وزیر قرار داد ولی در مقام عمل و نظر،

5. ابو اسحاق بن ابراهیم استخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار (تهران: علمی و فرهنگی، 1368)، ص 128 و 129.

6. مفیز الله کبیر، آل‌بویه در بغداد (خلافت در سرپنجه قدرت ایرانیان)، ترجمه مهدی افشار (تهران: رفعت، 1381)، ص 19.

صاحب دیوان هم پایه‌ی وزیر بود.⁷ در حالی که در سیستم دیوانسالاری خلفا، ریاست دیوان‌ها با شخص وزیر بود و مقام صاحب دیوانی به عنوان شخصیتی مستقل و با اختیارات تام چندان معنا نداشت. در واقع حاکم سعی داشت با به‌کارگیری تجربیات عمال پارس و دبیرانش با ایجاد مقامی ناظر بر کل ساخت‌های درونی و بیرونی دیوان و حکومت، عملکرد مالی و سیاسی هر دو طرف (وزیر و صاحب دیوان) را تحت نظارت داشته باشد و از قدرت طلبی دو طرف بکاهد و هماهنگی و تعامل بین ساخت‌ها را به نحو احسن به انجام برساند. مسئله‌ای که در حکومت آل‌بویه به دلیل تشنج‌های سیاسی، هرج و مرج‌های ناشی از جانشینی و عدم تمرکز اداری هرگز به وقوع نپیوست.

مسئله‌ی قابل توجهی که با کنکاش در منابع تاریخی با آن مواجه می‌شویم، تعداد و تنوع دیوان‌های آل‌بویه نسبت به دوره سامانیان⁸ و خلفاست.⁹ واقعیت این است که در منابع مرتبط این دوره هیچ اشاره‌ای به اسامی و تعداد کل دیوان‌ها نشده و به صورت پراکنده در برخی منابع ذکر شده است. به طور مثال مسکویه در تجارب الامم به طور صریح از دیوان‌های «سواد، هزینه، فارسی، سپاه و خاص» نام برده در حالی که از سایر دیوان‌ها نامی به میان نیاورده است.¹⁰ حتی آوردن اسامی دیوان‌هایی همچون هزینه، فارسی و خزانه تازگی دارد و در سیستم دیوانسالاری حکومت‌های متقارن نیز یاد نشده است. شاید بتوان دلیل این تفاوت و تمایز در سیستم اداری آل‌بویه را با مناسبات مورخان با تشکیلات اداری و دیوانی، سیطره‌ی آنان بر نهاد خلافت، گستردگی قلمرو، شرایط مالی و اداری بغداد، درایت وزرا و صاحب دیوان در مسائل حکومتی دانست. مسکویه در بیان دلیل این تنوع به فعالیت وزیر در ساماندهی به تشکیلات دیوانی اشاره کرده است و آن را معلول توجه وزیر می‌داند: «در ابتدای حکومت معزالدوله چنان اوضاع بغداد به هم ریخته بود که شکایت بردن به دیوان‌ها، مشورت دادن به کارگزاران و رسیدگی به دادخواهی یک سر منسوخ شده بود. تا این که ابن عمید به دیوان‌ها ترتیب داد.»¹¹

7. ابو علی مسکویه، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، ج 6 (تهران: نشر توس، 1376)، ص 324.

8. نرشخی در تاریخ بخارا از دیوان وزیر، استیفا، عمیدالممالک، صاحب شرطه، صاحب برید، دیوان شرف، مملکه خاص، محتسب، اوقاف و دیوان قضا نام می‌برد. (ابوبکر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر قباوی، به تصحیح مدرس رضوی. تهران: توس، 1363، اکثر صفحات).

9. صابی از دیوان زمام، اعطاء، البر، بیت‌المال، الجیش، الخاصه، الخراج، الدار، السواد، ضیاع الخاصه، الاشراف، الانشاء، البرید، التوقیع، الخاتم، الخاصه و المستحدثه، الخرائط، الدار الکبیر، الضیاع، القص و الخاتم، المرافق، المغرب، المشرق، النفقات نام می‌برد.

هلل صابی، الوزراء (مصر: بینا، 1958)، 448 و 449

10. مسکویه، ج 6، ص 131، 159، 160، 341.

11. همان، ص 134.

بدین ترتیب با تغییراتی که توسط حاکمان و وزرای قدرتمند در ساختار دیوان صورت گرفت، در ساختار دیوان سبب شد تا برخی تحقیقات جدید این تغییرات را کوچک و آن هم عموماً در سطح امور مالی و سرمایه‌ای بدانند. (کبیر، 1381: 190) اگرچه این نظریه درباره‌ی تغییر جزئی دیوان‌ها صحیح می‌باشد و ابتکار عمل حاکمان و وزراء اکثراً در راستای مسائل مالی و ایجاد دیوان‌هایی نظیر هزینه و خزانه‌داری صورت گرفت،¹² ولی در امور مالی و نظارتی در کل ساختار دیوان‌سالاری اثرات وافر و برجای گذاشت زیرا در نظر گرفتن شرایط نظامی، سیاسی و اقتصادی حکومت آل‌بویه در مراحل مختلف بیانگر این است که این تغییرات بر روند نظم و تعامل متقابل ساخت‌ها و نهادها بر یکدیگر کاملاً مؤثر بوده و عملکرد مثبت و سازنده یا منفی و مخرب دیوان‌ها را رقم می‌زده است. بر اساس این احساس ضرورت بود که حاکمان آل‌بویه با اقتباس از سیستم خلفای عباسی دیوان‌های «اصلی و زمام» را جهت نظارت بر روند عملکرد سایر دیوان‌ها بکار گرفتند.¹³ اگرچه این اقتباس بر اساس کارکرد دیرینه‌ی این دیوان‌ها بود ولی مقتضیات جدید یعنی به‌کارگیری دیوان‌های نوینی همچون فارسی، خزانه و هزینه نیاز مبرم آنان را نشان می‌دهد و حاکمان آل‌بویه صراحتاً عدم انطباق دیوان‌های نوین با شرایط حکومتی خویش و دیوان‌های قدیمی را پیش‌بینی می‌کردند و این مسئله که به محض تضعیف حکومت و انحلال این دیوان‌ها، عدم وجود آن‌ها به یکی از عوامل ضعف دیوانسالاری تبدیل خواهد شد.¹⁴

اینگونه حاکمان آل‌بویه پس از تثبیت ساختارهای حکومتی خویش با اتحاد و اقتباس دیوانسالاری اسلاف و حکومت‌های متقارن خویش و تبدیل و تغییر آن‌ها، موفق شدند زمینه‌های ترقی حکومتشان را فراهم سازند ولی مجموعه عواملی سبب کاهش قدرت و انحلال برخی دیوان‌ها به ویژه در اواخر دوران مذکور گردید. در واقع در بررسی علل تضعیف عملکرد دیوان‌های آل‌بویه مهمتر از همه باید به شرایط سیاسی حکومت، عدم تمرکز قدرت، کشمکش و تغییر مکرر وزراء، منازعات سیاسی درونی، افزایش اقتدار غلامان ترک، عدم سازگاری دیوان‌های جدید با سیستم پیشین و نظام فئودالی و بی‌ثباتی در امور دیوانی توجه داشت. البته شایان ذکر است بخش اعظم این تحلیل قدرت به برخی اقدامات و عملکردهای نامناسب حاکمان و وزیران در راستای حل معضلات سپاه و امور مالی باز می‌گردد که با حذف یا انحلال و ادغام برخی دیوان‌ها نتایج شومی به بار آوردند

12. صابی، ص 448 و 449 / کبیر، ص 193.

13. مسکویه، ج 6، ص 186.

14. عزالدین ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ترجمه حمید رضا آذیر، ج 12 (تهران: اساطیر، 1382)، ص 114.

و با از هم پاشیدن ساختار درونی دیوان‌ها در نتیجه‌ی اقدامات مزبور زوال دیوانسالاری در وهله‌ی اول و پس از آن انحطاط حکومت را به دنبال داشت. در اینجا ضروری است به ذکر این عوامل پرداخته شود که به دو بخش تقسیم گردیده است؛ نخست عملکرد متعارض صاحب دیوان و وزیر می‌باشد و دوم تعارض موجود در عوامل و ساختار درونی دیوانی است.

الف) تعارض در عملکرد صاحب دیوان و وزیر

همانطور که پیشتر نیز ذکر شد بنا بر سیاست حاکمان آل‌بویه، صاحب دیوان با اختیارات مشخص و به شرط دارا بودن صلاحیت به عنوان ناظر بر عملکرد و گردش دیوان‌ها انتخاب می‌شد که در مواقعی وی با توجه به شرایط سیاسی و با در پیش گرفتن بینش درست سیاسی اقتدار دیوانسالاری را رقم می‌زد. اما به مرور زمان با رویارویی حکومت آل‌بویه با مسائل سیاسی و نظامی و تنازعات درونی و کاهش اقتدار شاه دیگر توجه چندانی در انتصاب و نظارت بر عملکرد صاحب دیوان و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی وی نشد. همین امر باعث تحلیل و تضعیف قدرت صاحب دیوان و کم‌رنگ شدن دایره‌ی نفوذش به مرور زمان گردید. علاوه بر آن عدم آشنایی وی با مسائل حکومتی، فساد مالی و تعارض با وزیر سبب شد دیگر به امور دیوانی توجهی نشود و در نهایت مقام صاحب دیوانی و نهاد دیوان حالت تشریفاتی و ظاهری یابد و پس از مدتی به کلی حذف گردد. بنا بر این، تعارضات ناشی از عملکرد حاکم و شرایط بحرانی فرصتی برای وزیر بود تا در رقابت با صاحب دیوان بر سر کسب قدرت و نظارت بیشتر بر امور دیوانی، به حذف مقام صاحب دیوان بپردازد یا با دخالت در امور مالی و اقتصادی صاحب دیوان مانع عملکرد مثبت وی گردد.

البته باید افزود تعارض رویکردی و نگرشی وزیر نسبت به صاحب دیوان نیز در تشدید تعارضات مؤثر بود. اگرچه صاحب دیوان در اختیارات هم پایه‌ی وزیر محسوب می‌شد ولی عدم تفکیک این دو منصب توسط آن دو و تلاش صاحب دیوان برای کسب مقام بالاتر و برتر یعنی وزارت و رویکرد وزیر جهت نظارت بر دیوان‌ها و حذف صاحب دیوان سبب شد تا دیوانسالاری آسیب زیادی ببیند و از انجام امور معمول خویش باز ماند.¹⁵ به صورتی که در دوران عزالدوله بختیار پس از مدتی کشمکش میان صاحب دیوان و وزیر، مقام صاحب دیوانی به کلی حذف گردید و وزیر مستقیماً اداره امور مالی و نظارت بر سایر دواوین را بر عهده گرفت.¹⁶ حتی وزیر برای توجیه عمل

15. مسکویه، ج 6، ص 323.

16. کبیر، ص 192.

خود به این حيله متوسل شد: «دیوان برای آن پدید آمده است که تو (صاحب دیوان) کار کارگزاران را بازرسی کنی. اکنون یک وزیر خود کار هر دو را انجام می‌دهد و با این روش درآمد و هزینه نزد تو (حاکم) ناشناخته می‌ماند و اصل و خرج تباه می‌گردد.»¹⁷ روند تعارض و تقابل وزیر و صاحب دیوان تا حدی پیش رفت که فساد و رشوه‌گیری درون دیوانسالاری را ترویج ساختند. عملی که ابوقره (صاحب دیوان) در بحران سیاسی و کشمکش با وزیر مبادرت ورزید و با دادن پول به عزالدوله بختیار خلعت دیوان داری را پوشید.¹⁸ زیرا ابقا در این مقام علاوه بر قدرت و نفوذ و کسب وجهه، پایه‌ای برای ترقی به مقام وزارت همچنین افزایش ثروت و درآمد بود.

علاوه بر عدم کارایی صاحب دیوان در پیشبرد امور، سیاست‌های راهبردی و اقتصادی حاکمان آل‌بویه در زمینه‌ی واگذاری اقطاع به امیران و فرماندهان نظامی به جای پرداخت حقوق و مواجب باعث ضعف تدریجی قدرت برخی دیوان‌ها و به تبع آن اضمحلال دیوانسالاری گردید. زیرا علاوه بر پیامدهای مخرب اقتصادی و سیاسی این واگذاری، ادغام و انحلال برخی دیوان‌ها از دیگر نتایج آن بود که کاهش تعداد دیوان‌ها ضربه‌ای بر اقتدار اداری و سیاسی صاحب دیوان و کاهش کارایی وی به شمار می‌آید.¹⁹

باید توجه داشت در بررسی روند عوامل تعارض و تضعیف دیوانسالاری آل‌بویه فقط تعارض ساختاری و عدم تطبیق و کارآمدی دخیل نبود بلکه باید رویکردهای شخصیتی را نیز در نظر گرفت. همان‌طور که به مرور زمان به دلیل مسائلی که ذکر شد از میزان تسلط، نظارت و نفوذ صاحب دیوان بر امور دیوانی کاسته میشد، تمایلات شخصی صاحب دیوان نیز در جهت اعطای القاب عدیده و تجمل‌گرایی بر وخامت اوضاع و تضعیف بیشتر موقعیت وی افزود. در حقیقت این اعمال صاحب دیوان از تقابل و تعارض منفعتی وی با وزیر نشأت می‌گرفت. به طور مثال ابوقره به تقلید از صاحب دیوانان پیشین همچون عباس بن فسانجس لقب رئیس بر خود نهاد و نقره زدن بر در منزل را که از امتیازات وزیر بود، خواستار شد. در حالی که این اعمال سبب تباه شدن رابطه‌ی وزیر و صاحب دیوان شد و ارزش و ابهت هر دو را نزد همگان زیر سؤال برد.²⁰

17. مسکویه، ج 6، ص 324.

18. همان، ص 321.

19. همان، ص 322.

20. همان، ص 322.

ب) تضعیف و انحلال دیوان‌ها**حذف دیوان هزینه، خزانه، زمام و عطا**

تشکیلات دیوانسالاری در انجام اصلاحات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به ویژه به منظور پایان دادن به بحران‌های فراگیر سیاسی - اجتماعی نقش شایانی ایفا می‌کرده است. در واقع دیوانسالاری به عنوان عنصر سامان بخش اقتصادی مطرح بوده است به خصوص در زمانی که حاکمیت سیاسی با بحران اقتدار ناشی از اختلاف بر سر جانشینی مواجه می‌شود اندیشه اصلاح اقتصادی - اجتماعی مطرح می‌گردد .

همانطور که در قسمت‌های پیشین ذکر شد عدم توجه حاکم، وزیر یا صاحب دیوان به عملکرد سازنده‌ی دیوان‌ها و بر هم زدن نظم جاری دیوانسالاری و خارج شدن از روال طبیعی عملکرد آن با حذف یا انحلال آن از دیگر علل تضعیف دیوانسالاری بود. البته نباید نقش شرایط سیاسی و نظامی و اقتصادی، عدم انطباق عملکرد برخی دیوان‌ها با ساختار حکومتی و شاخصه‌های روحی کارگزاران دولتی را نادیده گرفت. زیرا دیوانی همچون هزینه با عملکرد نظارتی بر سایر امور مربوط به خزانه، اموال سلطنتی، دخل و مخارج دربار و ضرب سکه نقش بسزایی در کنترل هزینه‌ها و مخارج درباری و حکومتی ایفا می‌کرد.²¹ ولی با بحران در مسائل سیاسی، بالا رفتن هزینه‌های حاکمان در ساختن عمارت‌ها، مجهز سازی سپاه، رشوه دادن به غلامان ترک و در نهایت از بین رفتن نظارت و بازرسی‌های این دیوان بر فعالیت مالی سایر دیوان‌ها، متحمل ضربات سنگینی شد.²² به طور مثال مهلبی وزیر از سنگینی هزینه که به به دلیل ساختمان سازی گریبان‌گیر امیر شده، آگاه بود و سعی در کنترل آن داشت.²³ علاوه بر موارد مذکور پس از انحلال دیوان هزینه، حذف دیوان زمام و خزانه نیز از دیگر موارد تضعیف دیوانسالاری بود.²⁴ چرا که امیرالامرا و نزدیکان حکومتی علاقه‌مند نبودند به دیوان مرکزی حساب پس بدهند و از هزینه‌های آنان حسابرسی به عمل آید و باید افزود رخنه‌ی فساد و رشوه، کارایی دیوان را به تحلیل برد. بنا بر گزارش منابع این دو دیوان فقط در زمان عمیدالجیوش دائر بودند.²⁵

21. همان، ص 159.

22. همان، ص 135.

23. همان، ص 231.

24. کبیر، ص 193.

25. صابی، ص 422 و 488 / مسکویه، ج 6، ص 238.

روند عدم کارایی و حذف با تشدید تعارضات درون درباری و حکومتی در اواخر چنان ادامه یافت که شخصی نظیر صمصام‌الدوله با حذف دیوان عطا و اسامی برخی افراد از دیوان مزبور به دلیل تمایلات شخصی زمینه ساز دشمنی‌هایی میان خویش و مردم عادی شد. زیرا مردم به دلیل نارضایتی از عملکرد آنان، با توسل به دشمنان آل‌بویه بر تشنجات موجود در جامعه افزودند.²⁶ همانطور که اشاره شد دیوان‌های نوین بنا بر دلایلی که ذکر شد پس از مدتی همگی حذف یا منحل گشتند ولی فقط دیوان‌های نوین عامل تعارض عملکرد نظارتی نبودند بلکه دیوان‌های پیشین نظیر وزارت، جیش، سواد و خراج نیز به دلیل برخی تعارضات و تناقضات روی داده در عملکردشان باعث تضعیف دیوانسالاری شدند. البته لازم به ذکر است تعارضات و پیچیدگی این دیوان‌ها در تضعیف دیوانسالاری محرزتر می‌باشد.

دیوان وزارت

در بررسی علل تضعیف دیوانسالاری آل‌بویه مهمتر از همه باید به دیوان وزارت به عنوان مهم‌ترین رکن دیوانسالاری آل‌بویه توجه نمود زیرا وزیر پس از حاکم، اولین شخص حکومتی و تعیین‌کننده‌ی سرنوشت سیاسی و اداری حکومت بود و اختیار امور دیوانی و حکومتی به وی تفویض می‌شد.²⁷ در بیان ارزش و منزلت مقام وزیر همین بس که ثعالی وی را به سان پناهگاهی برای حاکم میدانست که سلطان به او اعتماد داشت و در اداره‌ی امور به رأی و اندیشه‌ی او پناه می‌برد.²⁸ در ادامه باید گفت امور سیاسی و حکومتی آل‌بویه هنگام استیلای آنان بر بغداد با مدد دبیرانشان انجام می‌شد و پس از آن با تصاحب مقام وزارت بدون جلب توجه افکار عمومی قدرتی بزرگ را از چنگال خلیفه خارج ساختند.²⁹ بنابر این با قاطعیت می‌توان گفت دوران استقرار و اقتدار حکومت آل‌بویه با تسلط حاکمان بر مقام وزارت، انتخاب وزرا در چارچوب قوانین و ضوابط معین و به شرط دارا بودن صلاحیت و خصایص وزیری همچون کیاست، صداقت، عدالت، پاک‌دامنی، شجاعت و سیاست و غیره انجام می‌شد.³⁰

26. عبدالرحمن ابن خلدون، العبر و دیوان مبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر، ترجمه عبدالحمید آیتی، ج 11 (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1383)، ص 1371.

27. علی بن محمد ماوردی، احکام السلطانیة و الولايات الدینیة (بیروت: دارالکتب علمی، 1415)، ص 30 و 28.

28. ابومنصور ثعالی، گران سنگ‌های ادبی، ترجمه محمد باقر حسینی (مشهد: دانشگاه، 1346)، ص 150.

29. ابن خلدون، ج 2، ص 627؛ مسکویه، ج 6، ص 352.

30. ثعالی، ص 162.

پس از این مقدمه ضروری است به وجوه تمایز وزارت در دوران آل‌بویه نسبت به اسلاف و اخلافشان بپردازیم. در واقع یکی از این تمایزات، انتخاب و فعالیت توأمان دو وزیر، یکی تفویض و دیگری تنفیذ با اختیارات مخصوص به خود بود که مقرر وزیر تفویض در بغداد و دیگری در شیراز بود و این امر بنا بر پیش سیاسی عضالدوله و گستردگی قلمرو حکومتی آل‌بویه معنا می‌یافت. زیرا وی با اولویت دادن شیراز بر بغداد کار هماهنگ کردن ارکان حکومت در محدوده‌های جغرافیایی و اداری را با نظم و ترتیب خاصی صورت می‌داد. علاوه بر این محدوده اختیارات هر وزیر مشخص بود و بر همین اساس وزیر مسیحی وی، نصر بن هارون در شیراز به امور رسیدگی می‌کرد و وزیر دیگرش مطهر بن عبدالله در بغداد به انجام وظایف می‌پرداخت.³¹ این عمل عضالدوله به الگویی برای دیگر سران بویهی همچون فخرالدوله، بهاءالدوله، جلال الدوله و غیره تبدیل شد.

بنا بر این وزرا به دلیل برخورداری از اختیارات گسترده‌ی اداری و اجرایی و پیروی از الگوی وزارت توأمان، اجازه دخل و تصرف در بیت المال، تعیین والی برای ولایات، حق اظهار نظر در محاکم شرعی، فرماندهی سپاه در مواقع لازم و طراحی تدابیر جنگی را نیز بر عهده داشته‌اند.³² بر همین اساس وزرا منشأ اقدامات سیاسی، عمرانی، نظامی و فتوحات کثیری گردیدند که در شرایط مساعد سیاسی اقتدار حکومت آل‌بویه را به همراه داشت. ولی از آن جایی که هر آغازی فرجامی دارد، دیوان وزارت نیز از این امر مستثنی نبود. در حقیقت بخشی از آن به افکار و اعمال حاکمان به ویژه در دوران متأخر آل‌بویه و بخشی نیز به مشکلات ساختاری دیوان نظیر عملکرد وزرا، بی‌ثباتی سیاسی، گسترش فرهنگ رقابتی توأم با توطئه و دسیسه و شخصیت وزراء و رقابت آنان با فرماندهان نظامی ترک نژاد و دیوانسالاران باز می‌گردد که سبب تزلزل موقعیت، تحدید اختیارات و امتیازات آنان شده بود. البته شایان ذکر است در وهله‌ی اول مهم‌ترین عامل تضعیف دیوان وزارت، از بین رفتن معیار انتخاب وزیر یعنی درایت و سیاستمداری و جایگزینی آن با تمایلات فردی، سوداگری و وعده‌های وزراء درباره‌ی افزایش اخراجات و فروش آن منصب بود. باید افزود این امر ریشه در مسائل مالی و اوضاع نابه سامان اقتصادی آل‌بویه داشت. چنان که ابوالفرج بن فسانجس در جدال وزارت برای پیروزی بر رقیبان به عزالدوله بختیار گفت: «درآمد کشور از هزینه آن کمتر است و اگر وزارت به من واگذار شود می‌توانم کسر بودجه را تأمین کنم.»³³

31. ابن اثیر، ج 12، ص 5237.

32. ماوردی، ص 30 و 28.

33. ابن اثیر، ج 12، ص 5251.

از نتایج اولیه‌ی چنین روندی، شکنجه، خشونت و مصادره اموال وزرا و هتک حرمت به آنان می‌باشد.³⁴ این در حالیست که غزالی و متفکران سیاسی رابطه‌ی آرمان‌گرایانه امیر و وزیر را به گونه‌ای مسالمت آمیز و سیاستمدارانه ترسیم نموده‌اند.³⁵ در صورتی که با استناد به منابع می‌توان گفت دیگر چنین رابطه‌ای میان وزیر و حاکم آل‌بویه وجود نداشت و شلاق خوردن و مصادره اموال مهلبی،³⁶ کور و مثله شدن ابوالفتح بن عمید، میل کشیدن چشم و مرگ ابو طاهر ابن بقیه زیر پای فیلان و غیره از نمونه‌های مشهود تیره شده روابط و از بین رفتن منزلت وزرا می‌باشند.³⁷ علاوه بر این در کنکاش برای ریشه‌یابی علت این تنزل مقام، مزید بر بحران‌های اقتصادی باید به انتخاب توأمان وزیر و رفتار سیاسی حاکم نسبت به آن دو نیز توجه نمود زیرا ماوردی پس از مطرح کردن وزارت توأمان یکی از شروطی که برای آن بیان کرده، عدم تبعیض نسبت به آن دو نفر است.³⁸ ولی حاکمان علاوه بر نادیده گرفتن این شرط و با فروش منصب وزارت ضربه‌ای مهلک بر پیکره‌ی دیوان وزارت وارد نمودند. چرا که «یک غلاف دو شمشیر را در خود جای نمی‌دهد و دستان زیاد برای اصلاح موجب فساد می‌شود»³⁹ زیرا به محض رخنه‌ی تزلزل در این دیوان به دلیل نظارت آن بر سایر دیوان‌ها، بقیه نیز متأثر می‌گشتند و دچار نابه سامانی و فساد می‌گردیدند. علاوه بر این عوامل آنچه که در انتخاب وزیر تنفیذ نادیده گرفته می‌شد، مذهب وی بود. این امر اگرچه بنا بر سیاست تسامح و تساهل حاکمان آل‌بویه صورت می‌گرفت ولی در کشمکش‌های سیاسی و رقابت دو وزیر بر سر ارتقا مقام و جایگاه مسئله ساز بود. به صورتی که گاهی دلیلی استوار برای تهمت و افترا به وزیر تنفیذ و سرنگونی او می‌شد. چنان که ابوالقاسم الحسین بن علی المغربیبه علت، از سوی رقبای سیاسی به ارتباط و جاسوسی برای خلیفه فاطمی متهم شد.⁴⁰

همان طور که اشاره شد وزرات قوانین خاص و چهارچوب معینی داشت و خروج از آن به منزله‌ی هرج و مرج سیاسی و اقتدار طلبی وزرا و رخنه‌ی تعارض درون ساختار دیوان مزبور بود.

34. ابوعلی محسن بن علی تنوخی، *نشوار المحاضره*، ج 2 (بغداد: مطبعه الارشاد، 1966)، ص 187.

35. محمد غزالی، *نصیحه الملوك*، جلال الدین همایی (تهران: دانشگاه، 1351)، ص 182.

36. ابن اثیر، ج 12، ص 5090.

37. محمد بن هندو شاه نجوانی، *تجارب السلف* (تهران: طهوری، 1357)، ص 240: عبدالرحمن بن علی ابن الجوزی، *المنتظم*

فی تواریخ الملوك و الامم، به کوشش محمد بن عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج 7 (بیروت: دارالکتب العلمیه 1412)،

ص 75؛ غیاث الدین هماد خواند میر، *دستور الوزراء* (تهران: اقبال، 1352)، ص 120.

38. ماوردی، ص 28.

39. ثعالی، ص 154.

40. ابن خلدون، ص 688.

همین راستا در دوران متأخر آل بویه (به ویژه جانشینان بهاء الدوله) با گرایش وزرا به اخذ القاب طولانی و پر طمطراق، کوفتن نقاره و طبل بر در منزلشان در رقابت با یکدیگر بحران در وزارت بیشتر آشکار شد.⁴¹ به طوری که افراد بی‌لیاقت و بی‌کفایت القاب خاص بزرگان را دریافت نمودند.⁴² هلال صابی در این باره می‌گوید: «وقتی پادشاهان این‌گونه القاب را بر وزیران خود اطلاق کنند، نشانه تغییر یافتن حقایق و واژگون شدن عناوین است.»⁴³ بنا بر گفته‌ی صابی این دگرگونی در ضعف عملکرد سیاسی و اجرایی، عدم کارایی وزرا و خارج شدن از خط سیر اسلافشان، عملکرد نامناسب آنان در انتصاب افراد به مقامات حکومتی نهفته بود و مزید بر آن سعایت و دسیسه‌ی اطرافیان هم چون حاجبان دربار، خادمان و فرماندهان سپاه سبب تضعیف منزلت وزیر و عملکرد دیوان وزارت گردید. با این روند کار وزارت چنان افت کرد که افرادی هم چون ابوالفضل بن عباس شیرازی و ابو الفرج بن فسانجس تصمیم گرفتند وزارت را از میان بردارند و هر دو تن به عنوان دبیر دست بکار شوند.⁴⁴ با این وجود ضعف نظارتی و عملکردی وزارت تأثیرش را بر سایر دیوان‌ها نمود و تضعیف عملکرد دیوان سواد، فارسی، خراج و هرج و مرج‌های سیاسی ناشی از آن می‌باشد.

دیوان فارسی

از دیوان مزبور فقط در تجارب‌الامم و با عنوان «دبیرخانه فارسی» یاد شده و در سایر منابع از آن نامی به میان نیامده است.⁴⁵ در واقع پس از تسلط آل بویه بر بغداد یکی از ظرافت‌های کاری برای دیوان‌داری و دبیری، آگاهی به دانش فارسی بود.⁴⁶ چنانکه ابومحمد حسن بن هارون صیمری در دوران وزیری برای معزالدوله که عربی نمی‌دانست، مترجمی استوار بود.⁴⁷ مطالب مسکویه در رابطه با این دیوان نشان می‌دهد رئیس این دیوان با حاکم و سایر دیوانیان پیوند نزدیکی داشته و در مسائل دیوانی و سیاسی نیز از قدرت زیادی برخوردار بوده. چنانکه در نخستین سال‌های حکومت

41. مسکویه، ج 6، ص 322.

42. ابن اثیر، ج 12، ص 321.

43. صابی، ص 50.

44. مسکویه، ج 6، ص 296.

45. همان، ص 160.

46. همان، ص 358.

47. همان، ص 38.

بختیار، ابن شیرزاد رئیس دیوان مزبور برای وزیر شدن ابوالفضل بن عباس شیرازی می‌کوشید.⁴⁸ همانطور که ذکر شد وجود این دیوان در حکومت آل‌بویه از آن جهت که افراد کاردان و شایسته و با صلاحیت را برای اداره امور به ویژه وزارت انتخاب می‌نمود، ضرورت تام داشت. ولی بروز کشمکش، دسیسه و رشوه در دیوان فارسی، تعارض به بار آورد و دیوان مزبور نیز همانند وزارت از گزند فساد در امان نماند و منتج به ناهماهنگی در امور گردید. زیرا رئیس آن، ابن شیرزاد با وارد شدن به عرصه‌ی کشمکش‌های سیاسی، شرکت در توطئه‌ها و رشوه‌گیری از طالبان وزارت سبب کاهش موقعیت این دیوان شد.⁴⁹ بنا بر این با تغییر یافتن ملاک‌ها و وظایف صاحب این دیوان نه تنها ارزش و منزلت وزارت و قوانین انتخاب وزیر به اضمحلال کشیده شد بلکه نابودی دیوان فارسی را باعث شد. به طوری که پس از عزل و تبعید ابن شیرزاد توسط عزالدوله بختیار دیگر نامی از این دیوان به میان نمی‌آید.⁵⁰

دیوان عرض یا جیش

عارض (رئیس دیوان) پس از وزیر مهم‌ترین دستیار پادشاه بود و فرماندهی و ساماندهی امور سپاه همچون رسیدگی به وضعیت آذوقه و تهیه مایحتاج سربازان، پرداخت مواجب، تهیه سلاح لشکر، ثبت اسامی سربازان، نسب و ملیت آن‌ها را بر عهده داشت⁵¹ با توجه به روحیه‌ی جنگجویی دیالمه به دلیل موقعیت خاص محلی‌شان و آشنایی با مهارت‌های نظامی، سپاه در نظر آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. چنانکه فخرالدین اسعد گرگانی در ستایش جنگاوری آنان می‌گوید:

«سپر دارند پهناور گه جنگ
چو دیواری نگاریده به صد رنگ»⁵²

سپاه آل‌بویه به دلیل جنبه توسعه طلبی، آرایش نظامی و ساختار ترکیبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و این امر از ساخت سیاسی حاکم بر حکومت آل‌بویه ناشی می‌شود زیرا گستردگی

48. همان، ص 319.

49. همان، ص 326.

50. همان، ص 327.

51. احمد بن علی قلقشندی، *صبح الاعشى فی صناعة الانشاء*، به تصحیح محمد حسین شمس‌الدین، ج 13 (بیروت: دارالکتب العلمیه، 1407) ص 160؛ ابوعبدالله محمد خوارزمی، *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم (تهران: بینا، 1362)، ص 59؛ ابوالشرف

ناصر بن ظفر جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمینی، به اهتمام جعفر شعار (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، 1345)، ص 82

52. فخرالدین اسعد گرگانی، *ویس و رامین* (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1349)، ص 514.

قلمرو و ساخت سیاسی ملوک‌الطوایفی، قبیله‌ای و زمینداری، سپاهی متشکل از قومیت‌های متفاوت نظیر دیلم، کرد، ترک و غیره را به وجود آورده بود.⁵³

با استناد به منابع می‌توان گفت سپاه آل‌بویه در سایه‌ی توجهات و تجهیزات نظامی عامل مؤثری برای گسترش قلمرو حکومتی و مبارزه با دشمنان بود ولی آنچه مرتبط با موضوع پژوهش کنونی باید مطرح ساخت، ابتدا به ساختار تشکیلاتی و تعارض بافتی (ترکیب جمعیتی) سپاه آل‌بویه باز می‌گردد. زیرا با گذشت دوره‌ی استقرار با افزایش توقعات و آزمندی نیروهای مؤسس، تعارضات پدید آمده در رابطه با تفاوت خواست سپاهیان و تمایلات سیاسی فرمانروا، حدود و اختیارات و قدرت ابتکار عمل فرمانروا را محدود می‌ساخت. در نتیجه فرمانروایان برای دوری از چنین وضعیتی، نیروی وابسته به خود به عنوان عنصر تعادل بخش و رقیب گروه‌های مؤسس را ایجاد نمودند و در چنین وضعیتی ترک‌ها بهترین گزینه برای مورد مذکور بودند. ولی این عمل موقتاً ثمر بخش بود زیرا پس از مدتی تلاش غلامان ترک جهت دستیابی به موقعیت برتر، دوگانگی و تنش در روابط دو عنصر مختلف را به وجود آورد. این تنش در سرنوشت حکومت به طور خاص و در دوره متأخر که حکمرانی قوی وجود نداشت، تأثیر شایانی گذاشت. از رهگذر این تعارضات، عارض، قدرت و نفوذ چندانی نداشت.⁵⁴

از دیگر عوامل تضعیف قدرت سپاه آل‌بویه، تعارض در ساختار قدرت و تقسیم نامتناسب آن و وظایف در حوزه‌ی ریاست و فرماندهی بود. به طوری که در دوره حکومت عضدالدوله و بهاء‌الدوله به دلیل وجود معضلات مذکور درون تشکیلات نظامی، حضور دو عارض و دو دیوان جیش را شاهد هستیم: یک عارض از دیالمه و دیگری از ترک‌ها و کردها و اعراب.⁵⁵ حتی با تشدید تعارضات و تقابلات درونی سپاه، ابوعلی استاد هرمز عمیدالجیوش وزیر بهاء‌الدوله، دیوان سپاه را به دو مجلس (مجلس تقدیر و مجلس مقابله) با کارکرد متفاوت و مخصوص تقسیم نمود تا به امور سپاهیان دیلمی و ترک به طور جداگانه رسیدگی شود.⁵⁶ در واقع مجلس تقدیر وظیفه‌ی ارزیابی سپاه، رسیدگی به اسناد، تعیین میزان حقوق و پرداخت سپاهیان و مجلس مقابله وظیفه‌ی بازرسی و بررسی اسناد و کنترل اسامی سربازان در شناسنامه‌های مخصوص دیوان جهت پرداخت مواجب و

53. بهاء‌الدین محمد بن حسن ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال (تهران: پدیده خاور، 1366)، ص 5.

54. مسکویه، ج 6، ص 219.

55. همان، ص 348-351 / ابن اثیر، ج 9، ص 115.

56. ابن خلدون، ج 2، ص 1375.

سایر امتیازات، بازدید از انبارهای خوار و بار و علوفه، رسیدگی به نامه‌ها و تقسیم غنایم پس از جنگ را بر عهده داشت.⁵⁷

اگر نگاهی دقیق به تطور سپاه آل‌بویه داشته باشیم در می‌یابیم اکثر تعارضات درون سپاهی و اغتشاشات سربازان از کاستی‌های پرداخت‌های واجب و مسائل مالی نشأت می‌گرفت و برای حل این معضل عمیدالجیوش «دیوان اشرف» با ریاست «مشرف» را تأسیس نمود که این دیوان به امور مالی و اطلاع‌رسانی از اوضاع و احوال توجه داشت. ولی با شیوع هرج و مرج‌های سیاسی و بحران در دیوان سواد و خراج، مشرف در اداره‌ی امور مالی و پرداخت‌های واجب سپاه با مشکل مواجه شد. در حقیقت بحران‌های مالی برخی حاکمان بویهی و همچنین آشوب‌ها و تمردهای پیاپی سربازان آنان این مسئله را روشن می‌سازد که پرداخت حقوق‌ها غالباً بی‌نظم بوده و به موقع پرداخت نمی‌شده است.⁵⁸ اگرچه ابوعلی موفق در سال 386 ه.ق / 996 م، در زمینه پرداخت حقوق سربازان به ابتکار عمل دست زد و روش اعطای دست‌مزدهای روزانه سربازان ترک در بغداد را به ماهیانه تغییر داد ولی اینگونه فقط توانست اندکی ذخیره‌سازی و پس‌انداز مالی داشته باشد⁵⁹ و این شیوه در زمان وی برقرار بود و زمان حاکمان متأخر اثری نداشت.

رقابت سلسه مراتبی فرماندهان از دیگر عوامل مؤثر در تشدید تعارضات دیوان جیش بود. زیرا عمیدالجیوش در ساخت کل سپاه تجدید نظر کرد و با طبقه بندی افراد سپاهی، رده‌های جدیدی تعیین نمود.⁶⁰ مراتبی نظیر نقیب، قائد و حاجب سپهسالار از آن جمله می‌باشند.⁶¹ اگرچه با انجام اینگونه اقدامات برای مدتی نظم و انضباط بر سپاه حاکم شد ولی این فقط ظاهر امر بود زیرا تعارض مراتبی فرماندهان ترک، کرد، عرب و دیلم و تلاش جهت دستیابی به مقام بالاتر با گرایش به وزرا و کارگزاران حکومتی، شرکت در توطئه‌های سیاسی و دادن رشوه، تمایز اندیشه و عملکرد دو عارض با یکدیگر و حتی با وزیر به نوعی سبب اختلال در امور سپاه می‌شد. همچنین اختلافات موجود بین عارض و وزیر را باید بر سایر موارد فوق اضافه کرد زیرا وزرای آل‌بویه علاوه بر

57. صابی، ص 242 و 243.

58. ادموند باسورث، «آرایش نظامی آل بویه در عراق و ایران»، نشریه تاریخ اسلام، شماره 26، 1385، ص 16.

59. مسکویه، ج 6، ص 283.

60. کبیر، ص 215 و 216.

61. مسکویه، ج 6، ص 354.

برخورداری از اختیارات گسترده‌ی اداری، فرماندهی سپاه در مواقع لازم و طراحی تدابیر جنگی را نیز بر عهده داشته‌اند.⁶² که این امر سبب تعارض آنان با عارض می‌شده است.

علاوه بر موارد مذکور که عمیدالجیش را با معضلات فراوانی مواجه می‌ساخت، تنوع و تعدد جنگ افزارها و مهارت‌های نظامی سپاه آل‌بویه را باید در نظر گرفت که متأثر از حضور اقوام گوناگون، گستره و شرایط طبیعی و جغرافیایی، فزونی ثروت، فتوحات جدید و تغییر در ترکیب سپاهیان بود. اگرچه برخی وظایف و عملکردهای دیوان عرض همانند دوره‌های پیشین بود ولی ابتکارات وزرا و عارض در ساخت آلات و ادوات، شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی، سبب تغییراتی در عملکرد این دیوان گردید. توجه به این مسئله از این جهت مد نظر است که بکارگیری این امکانات در مراحل پیشرفت فتوحات و ترقی دیوان عرض را در پی داشت. به طور مثال حاکمان آل‌بویه با فتح سرزمین‌هایی نظیر موصل، بصره، عمان و مناطق نزدیک دریا به ساخت کشتی دست زدند.⁶³ یا استفاده عضدالدوله از فیلان در نبردهایش⁶⁴ ساخت تیرها و جنگ افزارهای آتش افزا از نمونه‌های بکارگیری ابزار و ترفندهای جنگی آنان بود.⁶⁵ ولی گاهی کاربرد جنگ افزارها و مهارت‌ها به دلیل محاسبات نادرست امیران دیلمی و فقدان انطباق مدیریت نظامی کارآمد به پویایی نظامی آل‌بویه نمی‌انجامید. چنانکه عضدالدوله در جنگ با عضدالدوله آرایش نظامی سپاهش را به اشتباه تنظیم کرد، او سوارگان را پیش از پیادگان نهاد و این اشتباهی بود که هیچ کس نکرده بود.⁶⁶ یا تاکتیک فرار از ساحت معرکه و تنظیم و بازسازی مجدد نیروها در موقعیت‌های سخت، برای سربازان پیاده دیلمی مشکل بود. به طور مثال در جنگ قباب حمید در نهر دجله که در سال 332 هـ / 944 م رخ داد، پیاده‌های دیلمی احمد بن بویه نتوانستند از دست توزون (فرمانده ترکی) فرار کنند و لذا بیش از هزار نفر از آنها تسلیم این فرمانده شدند.⁶⁷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

62. ماوردی، ص 30؛ زرکوب شیرازی، شیراز نامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی (بی جا: انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، 1350)، ص 510.

63. احمد بن ابی بکر ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، به تصحیح دکتر احسان عباس، ج 4 (بیروت: دار صادر، بی تا)، ص 514.

64. زرکوب شیرازی، ص 510.

65. ابن اثیر، ج 15، ص 263.

66. مسکویه، ج 6، ص 197.

67. مسکویه، ج 6، ص 77 - 332.

علاوه بر موارد مذکور در اواخر دوران آل‌بویه برخی حاکمان جهت اقناع سپاهیان و تحریک آنان برای جنگ با رقبای پادشاهی مادی اضافه بر تیول‌ها و حقوق نظامی به سپاهیان پرداخت می‌کردند و این عمل در زمان افزایش قیمت‌ها و وخامت اوضاع مالی، خزانه را در پرداخت‌ها با مشکل مواجه می‌ساخت. در حالی که عضدالدوله از پرداخت هرگونه حقوق اضافه بر حقوق اصلی، جز در مناسبت‌هایی، چون پیروزی در جنگ و یا آن جا که اقتضائات و شرایط خاص سیاسی ایجاب می‌کرد، ممانعت می‌ورزید. (ابن اثیر، 1382: ج 9 / 353) بنابراین می‌توان گفت تعارضات ساختاری و عملکردی سپاه آل‌بویه به اضافه تحلیل قدرت اقتصادی و سیاسی آنان چنان افزایش یافت که ابتکار عمل عمیدالجیوش نیز تأثیری نداشت و به مرور کارایی سپاه تا حدی کاهش یافت که حتی قدرت مقابله با رقبای داخلی را نداشت.⁶⁸

دیوان سواد

در تشکیلات اداری خلفای عباسی دیوان الدار سه بخش دیوان شرق، غرب و سواد را شامل می‌شد⁶⁹ و دیوان سواد به امور مالی و اداری روستاهای میان دجله و فرات رسیدگی می‌کرد⁷⁰ و جزیی از دیوان خراج به شمار می‌آمد. بر این اساس همه دیوان‌های مالیاتی در آن متمرکز شده بودند.⁷¹ اهمیت اقتصادی و درآمدهای این دیوان باعث شده بود وزیران و امرا سعی نمایند به هر صورتی شده اداره‌ی آن را در اختیار خویش گیرند. چنان که ابوالفضل عباس بن فسانجس پس از وزیر کوشید دست خود را بر دیوان سواد باز کند تا در اختیار او باشد.⁷² همانطور که ذکر شد دیوان سواد با داشتن درآمدهای کثیر نقش اساسی در حیات سیاسی و اقتصادی آل‌بویه ایفا می‌نمود و غافل شدن از عملکرد این دیوان، تضعیف قدرت سیاسی و اقتصادی دیوان خراج و سپاه و به تبع آن تحلیل قدرت و ثبات حکومت را در پی داشت و سیاست اقتصادی معزالدوله در زمینه‌ی اعطای اقطاع‌ها مطلب فوق را محقق ساخت. زیرا معزالدوله و وزیرش ابوالفضل بن فسانجس پس از مواجهه با شورش دیلمیان، با سیاست خشونت بار و غیرقانونی مالیات ستانی از منطقه‌ی سواد روندی در

68. به دلیل گستردگی موضوع دیوان جیش در پژوهشی جداگانه با عنوان «تعارض ساختاری سپاه آل‌بویه» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

69. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن 4، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ج 2 (تهران: امیر کبیر، 1362)، ص 95.

70. مسکویه، ج 6، ص 22.

71. کبیر، ص 198.

72. مسکویه، ج 6، ص 132 و 159.

پیش گرفتند که بیشتر سواد عراق از دست کارگزاران و فرمانداران دولتی خارج و به صورت اقطاع در اختیار نظامیان قرار گرفت.⁷³ بدین سان در دیوان سواد و خراج بسته و دست کارگزاران کوتاه شد. (ابن اثیر، 1382: ج 11/ 4999) البته این سیاست اگرچه به صورت موقت باعث آرامش سپاه و پرداخت مواجب آنان گردید ولی در طولانی مدت علاوه بر ظلم و ستم بر مردم و کشاورزان، افزایش درآمد ملاکان، ویرانی زمین‌های کشاورزی، خراج شدن دیوان از نظارت مستقیم صاحب دیوان، کاهش درآمدها و کسری بودجه، افزایش رقابت غلامان ترک و دیالمه و مهمتر از همه نابودی دیه-های سواد را در پی داشت و دیگر مالیاتی از آن سرزمین نصیب دولت نمی‌شد. پس از آن خزانه دولت خالی گردید و حاکمان آل‌بویه بیش از پیش در پرداخت‌ها با مشکل مواجه شدند. علاوه بر این فرماندهان سپاه با داشتن حکم مقطع دیه‌های سواد بر قدرتشان افزوده شد و تا حدی از حکومت مرکزی مستقل شدند و نیروهای گریز از مرکز را تشکیل دادند که با گسترش بحران در مسائل سیاسی و نظامی عاملی برای آشوب طلبی و استقلال طلبی گردیدند. اینگونه با اقدامات حاکمان، وزراء و فرماندهان دیوان سواد را که منشأ ثروت و درآمد حکومتی بود، حذف و نابود شد و به تأثیر از آن دیوان خراج نیز قدرت و توانش را از دست داد.

دیوان خراج

این دیوان که در دوره‌های بعد «دیوان استیفا» خوانده شد، توسط مستوفی اداره می‌شد⁷⁴ و رسیدگی به امور مالی به ویژه خراج، ثبت بدهی، گزارش کارگزاران، رسیدگی به صادرات و واردات به خزانه و جمع‌آوری مالیات و غیره در زمره‌ی فعالیت‌های این دیوان و تحت نظارت صاحب خراج انجام می‌شد.⁷⁵ به دلیل اهمیت عملکرد دیوان مزبور در حیات اقتصادی حکومت، رئیس این دیوان کارگزاری امور خراج در مناطق تابعه را بر عهده‌ی دبیران معتمد هر منطقه گذاشته بود. به طور مثال ابو حسن محمد بن احمد ما فروخی دبیر معزالدوله در بصره کارگزار خراج بود.⁷⁶ اگرچه حاکمان آل‌بویه این سیستم را از خلفای عباسی اقتباس کردند ولی تفاوت عمل آنان در این مسئله می‌باشد؛ خلفا دیوان خراج را به چند شعبه نظیر عراق، سواد، سوریه، مشرق و غیره تقسیم کرده بودند و هر شعبه به امور

73. ابن اثیر، ج 8، ص 132.

74. ابن الجوزی، ج 12، ص 22.

75. فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تبریز: بی نا، 1344)، ص 405.

76. مسکویه، ج 6، ص 131.

اخراجات چندین ایالت می‌پرداخت.⁷⁷ ولی معاصر با به قدرت رسیدن آل‌بویه و شکل‌گیری حکومت-های استیلایی در مناطق دیگر بین‌النهرین، به دلیل جدایی برخی از این دیوان‌ها از حکومت مرکزی، خراج وصولی به خزانه فقط از عراق و واسط بود و بقیه مناطق در بین‌النهرین فقط اسماً به نام حکومت مرکزی بودند و گرنه هیچ وجهی به خزانه پرداخت نمی‌کردند.⁷⁸ و بیشترین سود و خراج از دیوان فارس،⁷⁹ نصیب حکومت می‌گردید. در همین راستا حاکمان آل‌بویه به دلیل اهمیت خراج این مناطق در حیات اقتصادی حکومتشان توجه شایانی به آنجا داشتند. حتی معزالدوله به محض ورود به بغداد، ابن شیرزاد دبیر خویش را مسئول رسیدگی و نظارت بر امر خراج نمود.⁸⁰ ولی همانطور که در قسمت‌های پیشین نیز ذکر شد هر چند برخی وزرای آل‌بویه نظیر محمد مهلبی در ایجاد امنیت مالی و تعیین قوانین مالیاتی برای نواحی بصره، واسط و سایر مناطق تابعه حکومتی جهت ممانعت از اجحاف کارگزاران بر مردم و ترقی دیوان‌ها تلاش می‌نمودند ولی سیاست معزالدوله و به ویژه حاکمان متأخر آل‌بویه در واگذاری اقطاع به سپاهیان سبب تضعیف عملکرد دیوان‌ها گردید و این بار نیز بیشترین ضربه را دیوان خراج متحمل گردید زیرا با تضعیف دیوان سواد عملکرد این دیوان نیز به تبع آن سست شد و تهی شدن خزانه و کسری بودجه از نتایج آن بود.⁸¹ علاوه بر موارد مذکور حاکمان آل‌بویه مقداری از اراضی سواد و دیگر اراضی خراجی را به عنوان املاک خاصه در «دیوان خاص» جای دادند و سود و خراج سرشار این املاک نصیب حاکم می‌شد.⁸² اگرچه این اقدام در کوتاه مدت مثمرتر بود ولی با این اقدام فعالیت بسیاری از دیوان‌ها نظیر خراج و سواد بی‌فایده و بی‌اثر شد و بالمال ادارات کنترل‌کننده آن‌ها نیز منحل گردیدند.⁸³

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

77. کبیر، ص 191/ صابی، ص 123.

78. کبیر، ص 191.

79. دیوان مزبور بخشی از دیوان خراج بود که به خراج قسمت‌هایی از ایران که در قلمرو آل‌بویه قرار داشت، رسیدگی می‌کرد و

بیشتر شامل فارس، خوزستان و کرمان بود.

80. مسکویه، ج 6، ص 123.

81. مسکویه، ج 5، ص 68.

82. همان، ص 131.

83. همان، ص 132؛ ابن اثیر، ج 8، ص 342.

نتیجه‌گیری

حاکمان آل‌بویه از ابتدای توسعه قلمرو جهت ایجاد تشکیلات منظم و مدون برای گرداندن امور حکومتی خویش به دیوانسالاری روی آوردند که با اقتباس از پیشینیان و با ابتکارات خویش در مراحل اولیه توانستند با کمک دیوانسالاران مجرب و مدبر اقتدار خویش را حفظ کنند. اما با گذشت زمان و گستردگی قلمرو و رقابت وزیران و صاحب دیوان بر سر قدرت، عدم کارایی و انطباق برخی دیوان‌ها با سیستم حکومتی و شرایط سیاسی، سبب تضعیف قدرت دیوان‌ها و صاحب دیوان گردید. البته مهمترین عامل ضعف دیوانسالاری آسیب دیدن موقعیت وزیر ناشی از عوامل مذکور بود. قابل توجه است بیشترین عوامل ضعف وزارت در زمان حاکمان مقتدری هم چون معزالدوله و عضدالدوله صورت گرفت همان عوامل انسجام بخش که در همان زمان سبب پیشرفت حکومت و قدرتشان گردیده بود در دراز مدت اثرات مخربش را نشان داد و تعارض‌های پدید آمده به صورت متقاطع بر یکدیگر تأثیر نهادند و عدم مدیریت حاکم در اواخر دوران آل‌بویه به دلیل نزاع‌های مکرر میان وزیران، امیران و مدعیان حکومت سبب تشدید تعارضات و عدم کارآمدی دیوان و تنزل قدرت صاحب دیوان گردید. بنا بر این می‌توان گفت انحطاط دیوانسالاری آل‌بویه بیشتر به تعارضات ساختاری دیوان‌ها باز می‌گردد تا عوامل بیرونی و صوری و تعارضات ساختاری تشکیلات درونی آل‌بویه را متلاشی ساخت.

تعارضات ساختاری و عوامل تضعیف دیوان‌های آل‌بویه از عدم سازگاری برخی دیوان‌ها و بکارگیری مقامات توأمان همچون وزیر و عارض نشأت می‌گرفت زیرا این روش نه تنها مشکل اختلافات سپاهیان در مسائل مالی و حقوقی و مراتب نظامی و معضل وزیران در اجرای امور را حل نساخت بلکه با تأثیر بر دیگر ساخت‌ها و دیوان‌ها همچون سواد و خراج باعث به خطر افتادن موقعیت صاحب آن دو دیوان، کاهش درآمدهای حکومتی و اختلال در امور حکومتی شدند. بنابراین می‌توان تعارضات ساختاری و پوسیدگی درونی دیوان‌ها را عاملی مهم جهت از بین رفتن تمام ملاک‌های انسانی و ارزشی برای انتخاب افراد و سلامت جامعه و انحطاط دیوانسالاری دانست.

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین. *الکامل فی التاریخ*. ترجمه حمیدرضا آژیر. تهران: اساطیر، 1382.
- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن. *تاریخ طبرستان*. به تصحیح عباس اقبال. تهران: پدیده خاور، 1366.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی. *المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم*. به کوشش محمد بن عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه، 1412.

- ابن خلدون، عبدالرحمن. *العبر و دیوان مبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر*. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1383.
- ابن خلکان، احمد بن ابی بکر. *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*. به تصحیح احسان عباس. بیروت: دار صادر، بی‌تا.
- استخری، ابوالاسحاق بن ابراهیم. *مسالك و ممالک*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی، 1368.
- اسعد گرگانی، فخرالدین. *ویس و رامین*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1349.
- باسورث، ادموند. «آرایش نظامی آل‌بویه در عراق و ایران». *نشریه تاریخ اسلام*. شماره 26، 1385.
- تنوخی، ابو علی محسن بن علی. *نشوار المحاضره*. بغداد: مطبعه الارشاد، 1966.
- ثعالبی، ابو منصور. *گران سنگ‌های ادبی*. ترجمه محمد باقر حسینی. مشهد: دانشگاه، 1346.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر. *ترجمه تاریخ یمینی*. به اهتمام دکتر جعفر شعار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1345.
- حتی، فیلیپ. *تاریخ عرب*. مترجم ابوالقاسم پاینده. تبریز: بی‌نا، 1344.
- خوارزمی، ابوعبدالله محمد. *مفاتیح العلوم*. ترجمه حسین خدیو جم. تهران: بی‌نا، 1362.
- خواند میر، غیاث‌الدین همام. *دستور الوزراء*. تهران: اقبال، 1352.
- زرکوب شیرازی. *شیراز نامه*. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی. بی‌جا: انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، 1350.
- صابی، هلال. *الوزراء*. مصر: بی‌نا، 1958.
- غزالی، محمد. *نصیحه الملوک*. همایی جلال‌الدین. تهران: دانشگاه تهران، 1351.
- قلقشندی، احمد بن علی. *صبح الاعشى فی صناعه الانشاء*. مصحح محمدحسین شمس‌الدین. بیروت: دارالکتب العلمیه، 1407.
- کبیر، مفیز الله. *آل‌بویه در بغداد (خلافت در سرپنجه قدرت ایرانیان)*. مترجم مهدی افشار. تهران: رفعت، 1381.
- ماوردی، علی بن محمد. *احکام السلطانیه و الولايات الدینیه*. بیروت: دارالکتب علمی، 1415.
- متز، آدام. *تمدن اسلامی در قرن 4*. ج 2. مترجم علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیر کبیر، 1362.
- مسکویه، ابوعلی. *تجارب الامم*. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: نشر توس، 1376.
- نخجوانی، محمد بن هندو شاه. *تجارب السلف*. تهران: طهوری، 1357.
- نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر. *تاریخ بخارا*. ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر قباوی. به تصحیح مدرس رضوی. تهران: توس، 1363.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی